

انسان در رابطه‌ی عهد با خدا

ریچارد بلچر

از روزی که خدا آدم و حوا را خلق کرد، آنها در رابطه‌ی عهدی با او بودند. همانطور که ماهی برای تحقق نقشی که خدا به او داده، در آب زندگی می‌کند، بشر نیز در رابطه‌ی عهدی با خدا زندگی می‌کنند و بدین طریق می‌توانند نقشی که خدا به آنها داده است را محقق کنند. باوجود اینکه در پیدایش ۱-۳ کلمه‌ی عهد به کار نرفته اما عناصر عهد، وجود دارد، همانطور که کلمه‌ی عهد در بنای عهد داوود در دوم سموئیل ۷ دیده نمی‌شود اما در مزمور ۸۹ و ۱۳۲ به عنوان رابطه‌ی عهدی به آن اشاره شده است، به همین ترتیب هوشع ۶: ۷ به رابطه‌ی خدا با آدم به عنوان عهد اشاره دارد. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۷۰۱ درمورد فاصله‌ی بین خدا به عنوان خالق و مخلوقات او صحبت می‌کند و بیان می‌دارد که خدا بطور داوطلبانه خود را فروتن ساخت و وارد رابطه‌ی عهدی با انسان شد. منظور این نیست که بغیر از یک رابطه‌ی عهدی، هیچ رابطه‌ی طبیعی میان خالق و مخلوقاتش وجود نداشت اما مستلزم داشتن یک رابطه‌ی پر ثمر میان خدا و آنها، یک عهد است. فروتنی داوطلبانه‌ی خدا به این امر اشاره دارد که خدا هر آنچه که مخلوقاتش برای رشد و شکوفایی نیاز دارند، مهیا می‌سازد. بنابراین با وجود اینکه ما موظف بوده‌ایم به عنوان خالق تسلیم او باشیم، خدا برای ابراز کاملترین رابطه‌ی مبارک با او، عهدی برقرار ساخت.

برکت خدا به آدم و حوا در پیدایش ۱-۲ بطور کامل نمایان شده است. او هر آنچه که آنها برای انجام حکم او مبنی بر بارور و کثیر شدن و پر ساختن زمین و حکمرانی بر آن، نیاز داشتند را مهیا ساخت (پیدایش ۱: ۲۸). او به آنها آب، خوراک و مکانی زیبا برای زندگی، کاری ارزشمند و مشارکت در ازدواج و رابطه‌ی منظم با خدا بخشیده است. او همچنین وارد یک رابطه‌ی عهدی با آنها شد که بتواند آنها را به برکات عظیم‌تر هدایت کند.

برخی عناصر عهد در پیدایش ۱-۳ آشکار شده است. خدا ابتکار عمل را به دست گرفت تا هر آنچه آدم و حوا نیاز داشتند را فراهم سازد و شرایط عهد را تأمین کرد. او به آنها حکم کرد و آنها را از خوردن میوه‌ی یکی از درختان باغ -درخت شناخت نیک و بد- منع کرد و در صورت عدم اطاعت، مجازات مرگ در انتظار آنها بود. خدا درخت حیات را به عنوان پاداش اطاعت را در اختیار آنها قرار داد. اینها عناصر مشترک رابطه‌ی عهد هستند که در صورت اطاعت، برکت و در صورت بی‌اطاعتی، لعنت وعده داده شده است. این امر آزمایشی بود که می‌توانست منجر به برکت زندگی و یا مجازات مرگ شود. آدم و حوا قادر بودند در اطاعت خدا، این حکم را حفظ کنند. آنها در موقعیت قدوسیت خلق شدند و هرگز مشمول قانون مرگ نبودند اما امکان ارتکاب گناه وجود داشت. اگر آنها در این امتحان موفق می‌شدند، پاداش حیات ابدی را دریافت می‌کردند که در این صورت ارتکاب گناه غیرممکن می‌شد.

روابط عهدی براساس اصل نمایندگی است. آدم نماینده‌ی عهدی است بنابراین همه‌ی اعمال او بر کسانی که او نماینده‌ی آنها

می‌باشد، تأثیر دارد. کلمه‌ی عبری آدم نه تنها نام شخصی آدم می‌باشد بلکه نامی عمومی برای بشر است (همانطور که در پیدایش ۱: ۲۶-۲۸ به کار رفته است). خدا ابتدا آدم را خلق کرد (اول تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۴) و وقتی او در باغ عدن با آدم و حوا به دلیل گناهشان روبرو شد، با وجود اینکه نخست حوا از خدا بی‌اطاعتی کرد و آن میوه را به شوهر خود داد، خدا نخست با آدم سخن گفت. آدم برای بی‌اطاعتی‌شان، مورد بازخواست قرار گرفت. گناه او بر خودش (پیدایش ۳: ۷)، رابطه‌اش با حوا (پیدایش ۳: ۱۶)، رابطه‌اش با خدا (پیدایش ۳: ۸)، خلقت (پیدایش ۳: ۷-۸) فرزندانش (پیدایش ۴: ۱-۱۱) و بر همه‌ی آنانی که بطور طبیعی از نسل او هستند، تأثیر گذاشت همانطور که در شجره‌نامه‌ی پیدایش ۵ بیان شد که «آدم بمرد» و سپس در مورد گسترش شرارت بر روی زمین قبل از طوفان صحبت می‌کند (پیدایش ۶: ۵).

اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر و پرسش و پاسخ‌های مسیحی، عهد آدم را، عهد اعمال و عهد حیات می‌نامند. برخی دیگر آن را عهد خلقت می‌نامند. اصطلاح عهد خلقت، موضوعات گسترده‌تر در رابطه با حکمی که خدا در پیدایش ۱: ۲۶-۲۸ به بشر داد را مطرح می‌کند. ورود گناه، مانع توانایی انسان در تحقق این حکم شد اما این حکم همچنان ضروری بود. نام عهد حیات بر برکت زندگی تأکید دارد که نتیجه‌ی اطاعت آدم بوده است. نام عهد اعمال بر چیزی تأکید دارد که آدم نسبت به آزمایشی که خدا به او داد، در دل داشت. اگرچه برخی به اصطلاح «اعمال» واکنش منفی نشان می‌دهند از آن رو که شرعی است و به نظر آنها ناخوشایند می‌آید اما کلمه‌ای مفهومی است که امید غایی نجات را بیان می‌کند.

وقتی آدم از خداوند نااطاعتی کرد، عهد اعمال بطور رسمی پایان یافت. آدم و حوا از دسترسی به درخت حیات منع شدند و از باغ اخراج شدند (پیدایش ۳: ۲۳-۲۴). با این وجود الزام عهد اعمال برای حفظ کامل شریعت خدا همچنان ادامه دارد. اگر مجازات عهد شکسته شده‌ی اعمال شامل همه‌ی نسل آدم می‌شود، الزام حفظ کامل شریعت نیز شامل آنها می‌شود اما گناهکاران قادر به انجام آن نیستند. اگر خدا برای بازگرداندن مخلوقات سقوط کرده‌ی خود، کاری نمی‌کرد، هیچ امیدی برای نجات وجود نداشت.

خدا فیض نجات بخش خود را به آدم نشان داد زیرا گناه او لعنت مرگ را وارد جهان کرد. خدا برای آدم و حوا جامه‌ای از پوست فراهم کرد تا جایگزین تلاش‌های آنان برای پوشاندن خودشان با برگ انجیر شود. این تدارک، پیش‌نمایشی از نیاز آنها به پوشش خون و قربانی جایگزین برای پرداخت مزد گناه می‌باشد. خدا نه تنها مار را لعنت کرد بلکه وعده داد شخصی از نسل زن می‌فرستد تا آن را مغلوب سازد. تا آن زمان، دشمنی و جنگ میان دو نسل وجود دارد. جرئیات در مورد آن شخصی که قرار بود از نسل زن بیاید، در سراسر عهدعتیق ذکر شده است و در نهایت به ظهور مسیح، منجی ما، اشاره می‌کند. عهد فیض آغازگر فیض نجات بخش است که آدم با نامیدن همسر خود، حوا - زیرا که مادر جمیع زندگان است - به آن پاسخ داد (پیدایش ۳: ۲۰). آدم به وعده‌ها و تدارک خدا ایمان داشت که زندگی ادامه خواهد داشت و خدا به وعده‌های خود عمل خواهد کرد.

عیسی مسیح در این عهد جدید، همه‌ی وعده‌های عهد فیض که خدا در تمام عهدهای عهدعتیق (عهد با نوح، ابراهیم، موسی و داوود) آشکار ساخته بود را تحقق بخشید و همچنین با اجرای کامل شریعت خدا، عهد اعمال را نیز به انجام رسانید. در رومیان

۵: ۱۲-۲۱ پولس نشان داد که چطور مسیح عهد اعمال را که آدم آن را شکسته بود، تحقق بخشید. اعمال آدم و مسیح فقط بر خودشان تأثیر ندارد بلکه بر همه‌ی کسانی که آنها نماینده‌ی شان هستند. پولس، آدم و مسیح را به عنوان سران عهد معرفی می‌کند که از این دیدگاه حمایت می‌کند که رابطه‌ی خدا با آدم در پیدایش ۱-۳ یک رابطه‌ی عهدی است. بی‌اطاعتی آدم عهد اعمال را شکست و پیامدهای گناه را به خلقت نیکوی خدا وارد کرد که این پیامد شاما مرگ نیز می‌شود. خطای آدم منجر به محکومیت همه‌ی آنانی می‌شود که بطور طبیعی از نسل او بودند (رومیان ۵: ۱۸) زیرا گناه او به حساب آنان نیز گذاشته شد. همانطور که پولس گفت، با گناه یک نفر، بسیاری گناهکار شدند (رومیان ۵: ۱۹). نااطاعتی آدم به عنوان نماینده‌ی ما، بر جایگاه شرعی ما تأثیر می‌گذارد. گناه او به حساب ما گذاشته شد، به این مفهوم که به طور قانونی به حساب ما گذاشته شد (منتسب شد). از آنجایی که دیگر قادر نیستیم شریعت خدا را بطور کامل به انجام برسانیم، محکوم هستیم. اعمال ما نمی‌تواند، اساس نجات باشد.

ایمان به اعمال مان، منجر به نومی‌دی می‌شود زیرا به شکستن شریعت خدا ادامه می‌دهیم. زیبایی انجیل این است که خدا پسر خود را به عنوان میانجی عهد قرار داده که همه‌ی عدالت را تحقق بخشیده است. او شریعت را بطور کامل حفظ کرد و براساس اطاعت او و از طریق ایمان به او می‌توانیم ادعای عادل‌شمردگی کنیم. پولس تأکید می‌کند که این عطایی است که با فیض عیسی مسیح بخشیده شده است (رومیان ۵: ۱۵) که عادل‌شمردگی را به ثمر آورد (رومیان ۵: ۱۶). جایی که آدم خطا کرد، مسیح موفق شد. گناه آدم، نسل او را آلوده کرد؛ عادل‌شمردگی مسیح، همه‌ی آنانی که به او ایمان دارند را طاهر ساخت. وقتی در کارهایی که مسیح برای ما انجام داده، تأمل می‌کنیم و تأثیرات اطاعت او بر عادل‌شمردگی خود را می‌دانیم، چگونه قلب ما می‌تواند با زیبایی و جلال کاری که مسیح برای ما انجام داده، گرم نشود؟ ما از طریق اعمال نجات یافتیم - اما نه اعمال خودمان بلکه با اعمال مسیح. تأمل در کارهای مسیح باید هم در زندگی و هم در مرگ، ما را تسلی عظیم بخشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

دکتر ریچارد پی. بلچر جونپور، استاد جان دی و فرانسیس ام. گوین در زمینه‌ی عهد عتیق و رئیس دانشگاه الهیات اصلاح‌شده شعبه‌ی شارلوت در کارولینای شمالی، و همچنین کشیش کلیسای مشایخی در آمریکا است. او نویسنده‌ی چندین کتاب، از جمله «تحقق وعده‌های خدا: توضیح الهیات عهد» است.